



## جایگزین‌های حبس در انگلستان و ولز، آلمان و ترکیه

(مطالعه تطبیقی)

معاونت توسعه مدیریت و منابع  
اداره کل آموزش و پژوهش

تألیف

اوزنور سودیرن

برگردان

حمیدرضا دانش‌ناری - حامد صفائی آتشگاه

نشر میزان

جایگزین‌های حبس در انگلستان و ولز، آلمان و ترکیه (مطالعه تطبیقی)

تألیف: اوزنور سیودیرن

برگردان: حمیدرضا دانش‌ناری ۶۷/۱/۲۳ - حامد صفائی آتشناه ۶۸/۹/۲۱

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۱۱-۸۷۶-۹

فروست: ۱۰۷۷

تعداد صفحات: ۳۳۶ ص

چاپ اول: بهار ۱۳۹۶

نشر میزان





## فهرست مطالب

دیباچه .....	۱۱
درآمد مترجمان .....	۱۵
<b>فصل اول: درآمد .....</b>	<b>۱۷</b>
۱.۱. قلمرو .....	۲۲
۲.۱. مطلبی گذرا در خصوص اصطلاحات و زبان .....	۲۸
<b>فصل دوم: بازتاب‌هایی از تاریخ و پیشرفت جایگزین‌های حبس .....</b>	<b>۲۹</b>
۱.۲. درآمد .....	۲۹
۲.۲. اصلاح زندان‌ها و زندانیان: آماده‌سازی شرایط برای مفهوم جایگزین‌های حبس .....	۳۰
۳.۲. پیشینه فکری جایگزین‌های حبس .....	۳۴
۴.۲. پیشرفت‌های قانونی: تولد کیفرهای جایگزین .....	۳۸
۵.۲. رشد جایگزین‌های حبس: نسل دوم .....	۴۶
۱.۵.۲. گسترش زندان و افزایش جمعیت کیفری .....	۴۶
۵.۲.۲. تغییر رویکرد از انجام کار زیاد به کار کم‌تر: زندان تحت‌یورش .....	۴۹
۳.۵.۲. ظهور قضازدایی: زمان و مکان مناسب؟ .....	۵۲
۴.۵.۲. حضور بزه‌دیده در گفتمان کیفر .....	۵۷
۶.۲. برآمد .....	۵۹

فصل سوم: جایگزین‌های حبس در انگلستان: محکوم به شکست؟ ..... ۶۱

- ۱،۳. ضمانت‌اجراهای غیرسالب آزادی برای جمعیت مازاد زندان‌ها: بنیان‌های نظری ..... ۶۱
- ۲،۳. گسترش ضمانت‌اجراهای غیرسالب آزادی ..... ۶۸
- ۱،۲،۳. احکام تعلیقی ..... ۷۴
- ۲،۲،۳. آزادی مشروط ..... ۷۷
- ۳،۲،۳. قرار خدمات اجتماعی ..... ۷۹
- ۴،۲،۳. تعلیق مراقبتی با الزام به حضور روزانه در مراکز آموزشی ..... ۸۲
- ۵،۲،۳. قرار نظارت ..... ۸۳
- ۶،۲،۳. احکام تعویقی ..... ۸۵
- ۳،۳. تأثیر گسترش احکام جایگزین حبس بر اشکال تعیین کیفر ..... ۸۶
- ۴،۳. از جایگزین‌های حبس تا مجازات در بستر اجتماع ..... ۹۰
- ۱،۴،۳. پیروزی قضادایی: قضاداییِ بیش‌تر، مجازاتِ کم‌تر؟ ..... ۹۴
- ۲،۴،۳. قانون عدالت کیفری مصوب ۱۹۹۱ ..... ۹۷
- ۵،۳. تغییر نگرش نسبت به مجازات سالب آزادی: کارایی زندان ..... ۱۰۱
- ۶،۳. رویکرد ترکیبی به ضمانت‌اجراهای غیرسالب آزادی ..... ۱۰۵
- ۱،۶،۳. ارزیابی موقت ..... ۱۰۸
- ۷،۳. ضمانت‌اجراهای غیرسالب آزادی کنونی: بستر ..... ۱۰۹
- ۸،۳. چارچوب ..... ۱۱۱
- ۱،۸،۳. قرار آزادی مشروط ..... ۱۱۲
- ۲،۸،۳. قرار جبران خسارت ..... ۱۱۲
- ۳،۸،۳. جزای نقدی ..... ۱۱۳
- ۴،۸،۳. تعویق صدور حکم ..... ۱۱۴
- ۵،۸،۳. قرار خدمات اجتماعی ..... ۱۱۵
- ۶،۸،۳. ضمانت‌اجراهای غیرسالب آزادی برای عدالت نوجوانان ..... ۱۱۸
- ۷،۸،۳. قرار اصلاح و بازپذیری نوجوانان ..... ۱۱۸
- ۸،۸،۳. قرار ارجاعی ..... ۱۲۰

- ۹,۸,۳. قرار جبران خسارت ..... ۱۲۱
- ۱۰,۸,۳. قرار احکام تعلیقی ..... ۱۲۱
- ۹,۳. بررسی ضمانت‌اجراهای غیر سالب آزادی ..... ۱۲۳

**فصل چهارم: جایگزین‌های حبس در آلمان: حتی کم آن هم زیاد است؟ ..... ۱۲۹**

- ۱,۴. بنیان‌ها: کیفرهای فردی شده ..... ۱۲۹
- ۱,۱,۴. عفو مشروط ..... ۱۳۲
- ۲,۱,۴. جایگزین‌های حبس در قانون‌گذاری عدالت نوجوانان ..... ۱۳۷
- ۳,۱,۴. جزای نقدی ..... ۱۴۰
- ۲,۴. جایگزین‌های حبس و حکومت نازی ..... ۱۴۳
- ۳,۴. گسترش جایگزین‌ها ..... ۱۴۸
- ۱,۳,۴. اصلاحات ..... ۱۵۰
- ۱,۱,۳,۴. بحث: دو نسل و دو مسیر مجزا ..... ۱۵۰
- ۲,۳,۴. پیش‌نویس فهرست جایگزین‌ها ..... ۱۵۴
- ۳,۳,۴. قانون‌گذاری ..... ۱۵۸
- ۴,۳,۴. اوج اصلاحات: بازپروری و قضازدایی ..... ۱۶۰
- ۴,۴. اثرات اصلاحات ..... ۱۶۳
- ۵,۴. چارچوب قانون‌گذاری کنونی ..... ۱۶۶
- ۱,۵,۴. تدابیر نظام تعیین کیفر در پرتو قانون کیفری آلمان ..... ۱۶۸
- ۲,۵,۴. معافیت از کیفر ..... ۱۶۹
- ۳,۵,۴. هشدار توأم با تعلیق مجازات ..... ۱۶۹
- ۱,۳,۵,۴. جزای نقدی ..... ۱۶۹
- ۲,۳,۵,۴. احکام تعلیقی ..... ۱۷۰
- ۳,۳,۵,۴. عدالت نوجوانان ..... ۱۷۲
- ۶,۴. طرح‌های اصلاحی برای نظام اصلاح ..... ۱۷۴
- ۱,۶,۴. مجازات‌های جدید جایگزین: رویکرد میانی یا رو به عقب؟ ..... ۱۸۱

---

## ۸ ♦ جایگزین‌های حبس در انگلستان و ولز، آلمان و ترکیه

---

- ۱۸۴..... ۱,۱,۶,۴. خدمات اجتماعی
- ۱۸۸..... ۲,۱,۶,۴. نظارت الکترونیکی
- ۱۹۱..... ۳,۱,۶,۴. منع از رانندگی
- ۱۹۳..... ۴,۱,۶,۴. هشدار توأم با تعلیق مجازات
- ۱۹۳..... ۲,۶,۴. ارزیابی موقت
- ۱۹۴..... ۷,۴. تحلیل آماری

### فصل پنجم: جایگزین‌های حبس در ترکیه: وجود سایه‌ای؟

- ۱۹۹..... ۱,۵. درآمد: بستر تاریخی
- ۲۰۳..... ۲,۵. مجازات‌های سالب آزادی و غیرسالب آزادی در قانون کیفری قدیم ترکیه
- ۲۰۹..... ۳,۵. نیاز به تغییر و تغییر بدون پیشرفت واقعی
- ۲۱۵..... ۴,۵. در تضاد با گرایش‌های بین‌المللی
- ۲۲۰..... ۵,۵. به سوی اصلاحات
- ۲۲۳..... ۶,۵. اصلاح
- ۲۲۳..... ۱,۶,۵. آماده‌سازی قانون کیفری جدید
- ۲۲۸..... ۷,۵. چارچوب قانونی کنونی
- ۲۳۲..... ۱,۷,۵. قضازدایی
- ۲۳۶..... ۲,۷,۵. احکام تعویقی
- ۲۳۶..... ۳,۷,۵. جزای نقدی
- ۲۳۷..... ۴,۷,۵. جایگزین‌های حبس‌های کوتاه مدت
- ۲۳۹..... ۵,۷,۵. تعلیق کیفر اعدام
- ۲۴۰..... ۶,۷,۵. احکام قضازدایانه در عدالت نوجوانان
- ۲۴۲..... ۷,۷,۵. ارزیابی موقت
- ۲۴۳..... ۸,۵. پس‌اصلاح
- ۲۵۳..... ۹,۵. برآمد



۲۵۵.....	فصل ششم: چکیده و نتیجه گیری.....
۲۵۶.....	۱,۶. رویکرد انگلیسی .....
۲۵۷.....	۲,۶. رویکرد آلمانی .....
۲۵۸.....	۳,۶. رویکرد ترکیه‌ای .....
۲۶۰.....	۴,۶. برآمد: چشم‌انداز سامانه ترکیه .....
۲۶۳.....	کتاب‌شناسی لاتین .....
۳۳۰.....	کتاب‌شناسی فارسی .....



## دیباچه

۱. سازمان تعزیرات حکومتی، نهادی دو - وجهی (اداری - شبه قضایی) است و مأموریتی چندجانبه بر عهده دارد. با توجه به ویژه بودن ساختار و کارکرد این سازمان، لازم است هویت و جایگاه آن به درستی شناخته و معرفی شود. به همین جهت، باید از رهیافت‌های یک‌جانبه دوری گزید. کارکرد این سازمان را نه می‌توان در حد اقدامات مربوط به پلیس اداری پایین آورد و نه آن را به عنوانی نهادی کاملاً سرکوب‌گر معرفی نمود. در نتیجه، لازم است با انتخاب رویکردی همه‌جانبه، ظرفیت‌های کارکردی این سازمان را شناخت؛ راهبردهای کلان برای آینده کاری آن تدوین کرد؛ و صلاحیت‌ها و مأموریت‌هایش را با در نظر گرفتن تحولات اقتصادی و ضرورت حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان و کنشگران اقتصادی پویاتر ساخت.

۲. از لحاظ تاریخی، سازمان تعزیرات حکومتی خاستگاه هویتی خود را در نهاد حسبه پیدا می‌کند. از دیدگاه امروزی، این سازمان یک نهاد تنظیم‌گر است و در ردیف نهادهای مختلفی که در کشورهای مختلف بدین منظور پیش‌بینی شده‌اند قرار می‌گیرد. تنظیم‌گری یا انضباط‌بخشی را می‌توان «تلاش پایدار و مستمر دولت، بخش خصوصی و یا نهادهای مختلط دولتی - خصوصی برای سازگار نمودن رفتارهای کنشگران حوزه‌های اقتصادی با استانداردهای تعریف‌شده، پیشگیری و بازدارندگی از تخلف نسبت به این استانداردها» دانست.

۳. در زمینه میزان مداخله دولت در امور اقتصادی و مربوط به بازار می‌بایست از تناوب مداخله حداقلی و حداکثری دولت فراتر رفته، مداخله‌ای هوشمند را پذیرفت که با حفظ انعطاف‌پذیری و خلاقیت مربوط به این حوزه‌ها، آن‌ها را به سوی اهدافی بلندمدت و دارای مقبولیت اجتماعی هدایت کند؛ اهدافی مانند بالا بردن رفاه شهروندان، ارتقای ایمنی نظام اقتصادی و اجتماعی و نیز تضمین حقوق و سلامت مصرف‌کنندگان. در همین راستا، قانون اصلاح قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۷۳/۷/۱۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام با یادآوری «ضرورت نظارت و کنترل دولت بر امور اقتصادی و لزوم هماهنگی مراجع قیمت‌گذاری و توزیع کالا و اجرای مقررات و ضوابط مربوط به آن»، انجام «کلیه امور تعزیرات حکومتی اعم از امور

بازرسی و نظارت، رسیدگی و صدور حکم قطعی و اجرای آن» را به دولت (قوه مجریه) محول کرده است.

۴. مأموریت اصلی سازمان تعزیرات حکومتی سرزنش کیفری نیست؛ چراکه سرزنش کیفری همیشه راه حل نهایی است و زمانی به کار گرفته می‌شود که سایر روش‌ها نتواند احترام به ارزش‌ها و رعایت هنجارهای اجتماعی را تضمین کند. هدف نخست آن، تشویق کنشگران اقتصادی به رعایت مقرراتی است که از یک طرف، سلامت اقتصاد و بازار و از طرف دیگر حقوق بنیادین مصرف‌کنندگان را تضمین می‌کنند. تأسیس «معاونت پیشگیری از تخلفات اقتصادی» و نیز راه‌اندازی «سامانه رسیدگی به شکایات مردمی (سامانه ۱۳۵)» در سازمان تعزیرات حکومتی، در همین راستا صورت گرفته است. هدف دوم این سازمان، رسیدگی به تخلفات تعزیراتی از طریق یک نظام پاسخ‌دهی متفاوت است. این تفاوت را از نظر ماهوی می‌توان در حبس محور نبودن پاسخ‌های پیش‌بینی‌شده در مقررات مربوط به تعزیرات حکومتی دانست. این پاسخ‌ها بر محور جریمه نقدی، توقیف اموال و دیگر پاسخ‌هایی مبتنی است که در مقایسه با نظام کیفردهی قانون مجازات اسلامی، جنبه‌ای تکمیلی و تبعی داشته و با تخلفات مربوط به حوزه‌های بازار و مصرف سازگاری بیشتری دارند. از نظر شکلی، رسیدگی‌های سازمان تعزیرات حکومتی، ضمن پیروی از برخی اصول کلی مربوط به آیین دادرسی کیفری، تابع مقررات آیین دادرسی نیست. بنا بر این، گونه‌ای از دادرسی افتراقی متناسب با ماهیت تخلفات اقتصادی در این سازمان وجود دارد. هدف از این دادرسی افتراقی، کاستن از تشریفات و پیچیدگی‌های خاص مربوط به آیین دادرسی کیفری، دوری جستن از تبعات منفی مربوط به کیفری ساختن امور مربوط به بازار، بالا بردن کارایی و سرعت تصمیم‌گیری در رسیدگی‌هاست. تفاوت دیگر نظام پاسخ‌دهی سازمان تعزیرات حکومتی را می‌توان در کارکرد تعاملی آن با دیگر نهادهای مرتبط با تخلفات اقتصادی (وزارت صنعت، معدن و تجارت، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، قوه قضائیه، ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز، گمرک جمهوری اسلامی ایران، نیروی انتظامی، نهادهای صنفی، سازمان غذا و دارو، سازمان ملی استاندارد و...) در امر نظارت بر بازار، پیشگیری از تخلفات اقتصادی و رسیدگی به این تخلفات دانست.

۵. بدیهی است ماهیت متفاوت رسیدگی‌های سازمان تعزیرات حکومتی به معنای نادیده گرفتن اصول مربوط به دادرسی منصفانه نیست. تضمین اصول و تشریفات دادرسی منصفانه، یکی از اولویت‌های مهم سند چشم‌انداز سازمان تعزیرات حکومتی را تشکیل می‌دهد. این سند،

اهداف کلی، برنامه‌های راهبردی و عملیاتی سازمان تعزیرات حکومتی در چشم‌انداز ۱۴۰۴ خورشیدی را تبیین و تدوین نموده است. در این چشم‌انداز، «سازمان تعزیرات حکومتی، سازمانی است مقتدر، توانمند و منصف در ایجاد امنیت، رقابت، سلامت و شفافیت در بازار و فضای کسب و کار و حامی حقوق مصرف‌کنندگان و فعالان اقتصادی». در همین راستا، آماده‌سازی لوايح ماهوی، مربوط به یکپارچه سازی تخلفات اقتصادی، و شکلی، مربوط به اصول و قواعد رسیدگی به این تخلفات، یکی از برنامه‌های عملیاتی این سازمان را تشکیل می‌دهد.

۶ سازمان تعزیرات حکومتی در فصلی نوین از فعالیت خود، مطالعات تطبیقی را در کنار سایر پژوهش‌های مربوط به حقوق داخلی، در اولویت قرار داده است. این مطالعات از یک سو، زمینه درک مشترک از چالش‌های مربوط به حوزه تخلفات اقتصادی را فراهم و از سوی دیگر، ایجاد تعامل با نهادهای بین‌المللی و نیز سازمان‌های دارای کارکرد مشابه با سازمان تعزیرات حکومتی را تسهیل می‌کند. در راستای تقویت پژوهش‌های مربوط به حوزه تخلفات اقتصادی، سازمان تعزیرات حکومتی، دست همکاری خود را به سوی تمامی استادان دانشگاه و پژوهشگران محترم کشورمان دراز کرده و از دیدگاه‌ها، پیشنهادها، انتقادهای ارزشمند ایشان به منظور بهبود عملکرد سازمان و ارتقای جایگاه آن استقبال می‌کند.

۷. کتاب حاضر که با عنوان «جایگزین‌های حبس در انگلستان و ولز، آلمان و ترکیه: مطالعه تطبیقی»، توسط «سرکار خانم دکتر اوزنور سیدیرن» نوشته شده و از سوی جنابان آقایان «حمیدرضا دانش ناری» و «حامد صفائی آتشگاه»، دانشجویان دوره دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی (به ترتیب در دانشگاه شهید بهشتی و دانشگاه علامه طباطبائی) به زبان فارسی برگردانده شده است، از مجموعه کتاب‌هایی است که در آغاز «دهه توسعه و تعالی سازمان تعزیرات حکومتی» و در راستای «طرح توسعه و تعالی» - که به همت «جناب آقای دکتر علیرضا جمشیدی»، معاون محترم وزیر و رئیس سابق سازمان تعزیرات حکومتی آغاز گردید - تهیه و تنظیم شده و اینک در اختیار جامعه حقوقی قرار می‌گیرد. در این اثر، پژوهشگر محترم تلاش کرده است تا جایگزین‌های حبس را به عنوان الگو و گونه نوین کیفر، در سه نظام حقوقی انگلستان و ولز، آلمان و ترکیه مطالعه و بررسی کرده و مشابهت‌ها، تفاوت‌ها و نقاط قوت و ضعف آن‌ها را شناسایی کند. در این اثر، مترجمان محترم تلاش کرده‌اند تا با ترجمه اثر حاضر، ادبیات جایگزین‌های حبس در نظام‌های حقوقی خارجی را وارد نظام کیفری ایران کنند. بی‌تردید، استفاده از تجربه کشورهای موفق و پیشرو در این زمینه می‌تواند

نظام حقوقی ما را از تکرار برخی اشتباه‌ها بازداشته و آن را در مسیر درست راهنمایی کند. به همین دلیل است که امروزه، انجام مطالعات تطبیقی نه تنها سودمند، بلکه ضروری دانسته می‌شود. اهمیت این امر از آن روی بیشتر می‌شود که موضوع اصلی صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی، تنظیم امور اقتصادی و کنترل تخلفات اقتصادی است؛ امری که در تمامی کشورها و نقاط جهان می‌توان آن را یافت و تقریباً در تمامی کشورها مقرراتی به منظور پیشگیری و مقابله با آن به تصویب رسیده است. کیفرهای جایگزین حبس بستر مناسبی فراهم می‌سازد تا از موارد حبس در نظام حقوقی کاسته شده (حبس‌زدایی) و به جای آن از کیفرهای اجتماعی (جامعوی) استفاده گردد. سازمان تعزیرات حکومتی نیز می‌تواند از کیفرهای اجتماعی به منظور مقابله با تخلفات اقتصادی استفاده کرده و بر اساس آن، قوانین و مقررات کنونی خود بازنگری را بازنگری نماید. تلاش‌های پژوهشگران محترم را ارج نهاده و از زحمات ایشان در راستای ترجمه این کتاب تشکر و قدردانی می‌نمایم. امید است که مطالب این نوشته بتواند پاسخگوی نیازهای مدیران و کارکنان سازمان تعزیرات حکومتی و کنشگران نظام عدالت کیفری بوده و مورد استفاده جامعه حقوقی، حقوق‌دانان و دانشجویان حقوق قرار گیرد. در پایان، لازم می‌دانم از جنابان آقایان «دکتر جواد فرشباف ماهریان» و «دکتر امیرحسین نیازپور» و هم‌چنین مجموعه همکاران «معاونت توسعه مدیریت و منابع»، به ویژه «اداره کل آموزش و پژوهش» تشکر نمایم که با تلاش‌های صادقانه خویش زمینه انجام و تکمیل پژوهش حاضر را فراهم ساختند.

عبدالعلی میرکوهی

معاون وزیر و رئیس سازمان تعزیرات حکومتی

## درآمد مترجمان

در سیاست کیفری بسیاری از کشورها، مجازات حبس را به‌عنوان سنگ‌بنای نظام مجازات‌ها انتخاب می‌کنند. نتیجه این امر شکل‌گیری فرهنگ تنبیه‌گری و به‌ویژه حبس‌باوری بوده است. به موازات گسترش فرهنگ حبس‌گرایی در نظام‌های حقوقی مختلف، چالش «ازدحام در زندان»<sup>۱</sup> به وجود آمد. جهت حل این مشکل عظیم از «جایگزین‌های حبس» به‌عنوان یکی از شیوه‌های جلوگیری از افزایش جمعیت زندان‌ها یاد می‌شود.

در ایران برای نخستین بار، در سال ۱۳۷۸، اقدامات و کیفرهای جایگزین زندان وارد گفتمان دانشگاهی شد، اما شاهد تحولات تقنینی چندانی نبودیم. طی همین سال‌ها، مقنن در *قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰* با استفاده از نسل اول جایگزین‌های حبس نظیر آزادی مشروط و تعلیق اجرای مجازات، در پی مقابله با ازدحام زندان‌ها بود؛ لیکن افزایش جمعیت زندان‌ها از یک‌سو و استفاده از پژوهش‌گران علوم جنایی در پژوهشگاه‌های دولتی، از سوی دیگر، موجب تحول مقررات ناظر بر زندان و ورود نسل دوم جایگزین‌های حبس به *قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲* شد.<sup>۲</sup>

با وجود این تحول تقنینی بزرگ، کارایی جایگزین‌های حبس به دلایلی چون فقدان بسترهای فرهنگی در سطح جامعه، پیش‌بینی نکردن ردیف بودجه مناسب و فرهنگ سازمانی حبس‌گرا، در عمل با چالش‌هایی مواجه بوده است.

هدف از برگردان کتاب «جایگزین‌های حبس در انگلستان و ولز، آلمان و ترکیه: مطالعه تطبیقی» به زبان فارسی، استفاده از تجارب سایر کشورها و درک دلایل موفقیت و عدم موفقیت آن‌ها در عرصه استفاده از جایگزین‌های حبس و مجازات‌های اجتماعی و در نهایت، استفاده نهادهای قانون‌گذاری، قضائی و اجرایی از این ضمانت‌اجرا می‌باشد.

نویسنده کتاب خانم دکتر *اوزنور سودیرن* می‌باشد. دلیل انتخاب کتاب، تسلط نویسنده بر ابعاد مختلف نظام کیفری کشورهای مورد مطالعه بوده است. دکتر سودیرن، فارغ‌التحصیل کارشناسی

---

1. Prison Overcrowding.

۲. برای مثال ببینید: مواد ۶۴ تا ۸۷ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲.

حقوق از دانشگاه استانبول و کارشناسی ارشد از دانشگاه شفیلد انگلستان است. ایشان در سال ۲۰۱۰، مدرک دکتری خود را از دانشگاه کُن آلمان اخذ کردند.<sup>۱</sup> کتاب حاضر، موضوع رساله دوره دکتری ایشان بوده و در سال ۲۰۱۱ توسط انتشارات اسپرینگر به زیور طبع آراسته شده است. بدین‌سان این کتاب به‌عنوان اثری که در حوزه جایگزین‌های حبس سه کشور مختلف را مورد مطالعه قرار داده، انتخاب و به زبان فارسی برگردان شد.<sup>۲</sup>

به‌رغم تلاش مترجمان در برگردان هرچه‌بهتر، کتاب حاضر خالی از ایراد نیست. بدین‌وسیله از خوانندگان ارجمند خواهشمندیم دیدگاه خود را در خصوص برگردان حاضر به اطلاع مترجمان برسانند.<sup>۳</sup> همچنین در پایان فرصت را مغتنم شمرده و از حمایت‌های صادقانه سازمان تعزیرات حکومتی جهت چاپ و نشر این اثر سپاسگزاری می‌کنیم.

حمیدرضا دانش‌ناری - حامد صفائی آتسگاه

تهران - ۲۳ فروردین ۱۳۹۶ خورشیدی

۱. ایشان در حال حاضر استاد دانشگاه بیلگی استانبول (İstanbul Bilgi Üniversitesi) می‌باشند.  
۲. لازم به ذکر است که در قسمت انتهایی کتاب، جهت آشنایی پژوهش‌گران با منابع مختلف این حوزه، منابع انگلیسی، آلمانی و ترکیه‌ای جایگزین‌های حبس آورده شده‌اند. هم‌چنین مترجمان کوشیده‌اند گزینه‌ای از مهم‌ترین منابع فارسی جایگزین‌های حبس در ادبیات جرم‌شناسی ایران را در قالب کتاب‌شناسی فارسی در دسترس خوانندگان محترم قرار دهند.



## فصل اول: درآمد

این کتاب به دنبال بررسی جایگزین‌های حبس به عنوان یکی از مهم‌ترین و چالش‌برانگیزترین مسائل سیاست کیفری کشور ترکیه و برخی دیگر از کشورها در پرتو مطالعات تطبیقی است. توسل افراطی به حبس به مثابه یکی از مهم‌ترین مجازات‌ها در مرحله تعیین کیفر و رشد قارچ‌گونه جمعیت کیفری منجر به تصویب قوانین عفو و ساخت زندان‌های جدید و از این‌رو، رویکرد حبس‌گرایی منجر به ارائه تصویری غم‌انگیز از عدالت کیفری شده است. در حال حاضر، ترکیه یکی از کشورهای است که در سطح اروپا، جمعیت کیفری بالایی دارد. پس از افزایش ثابت جمعیت کیفری در طول یک دهه اخیر، در سال ۲۰۰۹، تعداد زندانیان این کشور به صد و شانزده هزار و سیصد و چهل نفر رسید. این در حالی است که این رقم به نسبت سال ۱۹۹۲، رشد چهار برابری داشته است.<sup>۱</sup> هم‌زمان در این دوره، نرخ جمعیت کیفری به ازای جمعیت صد هزار نفره، از پنجاه و چهار نفر به صد و شصت و یک نفر رسید و با رشد چند برابری مواجه شد. گرچه اظهارات در خصوص ظرفیت رسمی زندان‌ها مشخص نیست، اما گزارش‌های ثابت مطبوعات روزانه نشان می‌دهند که جمعیت کیفری از ظرفیت زندان‌ها فراتر رفته است.<sup>۲</sup> در عین حال، به هنگام ارزیابی نرخ جمعیت کیفری نباید این نکته را فراموش کرد که نظام زندان‌های ترکیه، بر خلاف هم‌تایان اروپایی‌اش - به استثنای شماری از زندان‌های با امنیت بالا - مبتنی بر نظام خوابگاهی است.<sup>۳</sup>

1. <http://www.kcl.ac.uk/depsta/law/research/cps/worldbrief/wpbcountry.php?country=19>

2. Cumhuriyet, 25.8.2007, Hürriyet, 3.4.2007, Radikal, 26.7.2009, Hürriyet, 31.8.2009.

3. Green, P. (2002) Turkish Jails, Hunger Strikes and the European Drive for Prison Reform, Punishment and Society, vol. 4, no 1, pp. 97-101.

با مشاهده وضعیت موجود می‌توان چنین گفت که پژوهش در این حوزه، مستلزم بستری مناسب برای اصلاح نظام کیفری ترکیه و به طور خاص‌تر، معرفی نظام زندان‌های مدرن است. با وجود این، مشکلات موجود در عرصه نظام زندان‌ها و جمعیت کیفری، پدیده‌ای جهانی است و از این‌رو، باید پا را از مرزهای ترکیه فراتر گذاریم. به طور مشخص، مطالعات تطبیقی بسیار کمی در حوزه جایگزین‌های حبس انجام و منتشر شده است. با وجود این، پژوهش‌های در دسترس نیز در کشورهای منزوی انجام شده و یافته‌های آن‌ها مبتنی بر چشم‌انداز داخلی بوده است.<sup>۱</sup> در نقطه مقابل، کتاب حاضر، پیشرفت‌های اخیر و احتمالی قوانین ترکیه در این حوزه و رویه کشورهای اروپایی را از طریق مقایسه تجربه‌ها و پیشرفت‌های دو کشور انگلستان و ولز<sup>۲</sup> و آلمان به عنوان نماینده دو نظام کامن‌لا و رومی - ژرمنی تحلیل می‌کند.

وجه متناقض این رویکرد آن است که با وجود سابقه بد ترکیه در داشتن جمعیت کیفری بالا و گزارش‌های هولناک در خصوص شرایط زندان‌ها<sup>۳</sup> به ویژه در زمان حکومت نظامی، نوشتگان نظام‌مند کمی به بحث راه‌های جایگزین برخورد با بزهکاران توجه کرده‌اند. اصلاحات اخیر در قانون کیفری ترکیه که بیش‌تر متأثر از تمایل این کشور جهت پیوستن به اتحادیه اروپا بوده، وضعیت موجود را تغییر نداده است. گرچه در اصلاحات موجود، پرهیز از انواع حبس - از کوتاه‌مدت گرفته تا بلندمدت - به عنوان یکی از اهداف حقوق کیفری ترکیه معرفی شده است، اما موضوع جایگزین‌های حبس در اصلاحات اخیر در حاشیه قرار گرفته است؛ زیرا در این حوزه، مسائل مهم دیگری هم‌چون مشروعیت کیفر اعدام، محدودیت‌های آزادی بیان، تعریف جرایم

1. Jescheck, H.-H. (ed.) (1983-1984) *Die Freiheitsstrafe und ihre Surrogate im deutschen und ausländischen Recht*, vol. 1-3, Nomos, Baden Baden, Albrecht, H.-J. and Kalmthout, A., M. (eds.) (2002) *Community Sanctions and Measures in Europe and North America*, Max-Planck-Institut für ausländisches und internationales Strafrecht, Freiburg, see also, Dünkel, F. and Spiess, G. (1983) *Alternativen zur Freiheitsstrafe: Strafaussetzung zur Bewährung und Bewährungshilfe im internationalen Vergleich*, Max-Planck-Institut für ausländisches und internationales Strafrecht, Freiburg, van Kalmthout, A., M. (1989) *Sanction Systems in the Member-States of the Council of Europe*, Kluwer, Deventer, Zvekic, U. (1994) *Alternatives to Imprisonment* (United Nations Interregional Crime and Justice Research Institute), Nelson-Hall Publishers, Chicago, Tas-Junger, J. (1994) *Alternatives to Prison Sentences: Experiences and Developments*, Kugler Publications, Amsterdam.

۲. در سطور آتی این اثر، حوزه قضایی انگلستان و ولز با عنوان «انگلستان» مطرح خواهد شد.

۳. ببینید:

Neziroglu, op. cit., pp. 421-450. For indication of relevant supranational case law concerning prison conditions in Turkey, see van Zyl Smit, D. and Snacken, S. (2009) *Principles of European Prison Law and Policy*, Oxford University Press, Oxford, pp. 126-175.

جنسی و برخی دیگر از مسائل چالشی در حوزه جرم به بحث گذاشته شدند و از این رو، طبیعی بود که نوبت به مسئله حبس بلندمدت، کوتاهمدت و جایگزین‌های آن‌ها نرسد و به تبع آن، محاسن نظام ترکیه در این وادی بررسی نشود.

نتیجه غفلت و بی‌توجهی بلندمدت از این موضوع، شکلی از کوتاه‌بینی و شکست در به رسمیت شناختن جایگزین‌ها، این حقیقت را به وجود آورده است که قوانین ترکیه به نسبت دیگر کشورهای اروپایی در زمینه جایگزین‌های حبس - حتی اگر جایگزین‌ها در دیگر کشورها در روبه کم‌تر استفاده شوند - دارای ضعف است. حقوق‌دانان ترکیه‌ای که به شدت متأثر از ادبیات موجود در نظام حقوقی آلمان هستند، بر این باورند که در دوره کنونی، توسعه ضمانت‌اجراهای جایگزین حبس کیفری ضروری است.<sup>۱</sup>

این پژوهش که با فرضیه عدم کافی بودن راهبردهای جایگزین حبس در ترکیه آغاز می‌شود، راه‌هایی را جهت کاهش توسل به حبس در این کشور ارائه می‌دهد. با این حال، نگاه اجمالی به رویه و نظریه جایگزین‌های حبس نشان می‌دهد که سایه‌هایی از این سیاست در نظام کیفری ترکیه وجود دارد. با وجود این، مسئله مهم کتاب پیش‌رو این است که چه گستره‌ای از جایگزین‌ها - که از طریق پیوند و وارد کردن ایده‌های دیگر نظام‌ها به دست می‌آیند - موجب غنای نظام کیفری ترکیه می‌شود. در این بستر، بحث اصلی این است که چه گستره‌ای از راهبردهای موجود به مثابه جایگزین حقیقی حبس محسوب می‌شوند. جهت تبیین بهتر موضوع، دو کشور از دو نظام حقوقی مختلف انتخاب شده‌اند: انگلستان و آلمان.

آلمان یکی از کشورهای دارای نفوذ در حوزه حقوق عمومی و خصوصی کشور ترکیه است و از این رو، می‌توان به درستی به این نکته اشاره کرد که تا دوره کنونی، سنت‌های حقوقی، فرهنگ و قوانین موجود در ترکیه، متأثر از نظام ژرمنی بوده است.<sup>۲</sup> تاریخ تحولات حقوق در کشور ترکیه نشان می‌دهد که اولین قانون اساسی عثمانی در سال ۱۸۷۶ متأثر از قانون اساسی پروس در آلمان - مصوب سال ۱۸۵۱ - بوده است.<sup>۳</sup> در سال ۱۹۱۶، قانون مدنی آلمان به زبان ترکی ترجمه شد و متعاقب آن، قانون مدنی عثمانی با استانداردهای مدرن حقوق خصوصی به تصویب رسید.

۱. فصل چهارم را ببینید.

2. Hoegen, E. and Brienen, M (2000) Victims of Crime in 22 European Criminal Justice Systems, Wolf Legal Production in cooperation with the Global Law Association, Nijmegen, pp. 960, Chapter 24.

3. Bozkurt, G. (1996) 'Alman Arsiv Belgelerine Göre Alman Hukuku'nun Türk Hukuku'na Etkisi', Ankara Üniversitesi Hukuk Fakültesi Dergisi, vol. 45, no 4, pp. 29-40, p. 29.

پس از اعلام جمهوریت در کشور ترکیه، قانون تجارت این کشور بر اساس قانون تجارت کشورهای آلمان و ایتالیا به تصویب رسید. قانون آیین دادرسی کیفری این کشور نیز در سال ۱۹۲۹ با تاسی از قانون اصول محاکمات کیفری آلمان تصویب شد.<sup>۱</sup> از همه مهم‌تر باید به این نکته اشاره کرد که قانون کیفری آلمان و نظریه ژرمنی، تأثیر بنیادی بر تصویب قانون جدید آیین دادرسی کیفری و قانون جزای ترکیه داشته است. قانون جزای جدید با به عاریت گرفتن بسیاری از مفاهیم و نهادهای موجود در قانون کیفری آلمان، میان مجازات‌ها (اقدامات قهرآمیز) و تدابیر (اقدامات غیرقهرآمیز) قائل به تفکیک شده، نظام جزای نقدی روزانه را به رسمیت شناخته و شرایط جدیدی را برای اعطای حبس تعلیقی به وجود آورده است.<sup>۲</sup> در کنار اثرگذاری مجموعه قوانین کیفری آلمان بر قوانین موجود در ترکیه، دلیل دیگر انتخاب این کشور جهت مطالعه تطبیقی توجه به این نکته است که با وجود نظام دوگانه حبس و جزای نقدی در این کشور، توسل به مجازات زندان در این کشور در طول بیش از یک قرن کاهش یافته است.

بر خلاف اثربخشی نظام حقوقی آلمان بر سامانه قانونی ترکیه، حقوق انگلستان در محافل دانشگاهی و حقوقی ترکیه، چندان شناخته شده نیست. از آغاز قرن نوزدهم، حقوق ترکیه با تکیه بر مسائل حقوق مدنی، رشد خود را آغاز کرد.<sup>۳</sup> این در حالی است که در خصوص نهادهای کیفری - که انگلستان در این قلمرو در سطح جهان، زبانزد می‌باشد<sup>۴</sup> - نظام کیفری ترکیه توجه کمی به حقوق کیفری ماهوی انگلستان داشته است. بر این اساس، مفاهیم و سنت‌های موجود در نظام کامن‌لا از سامانه کیفری ترکیه فاصله گرفت و استناد به آن‌ها، تنها در حد آوردن مثال‌هایی برای اصلاح وضعیت موجود بود.<sup>۵</sup>

۱. قانون شماره ۱۴۱۲، ببینید:

Önder, A. (1974) Der Einfluss des deutschen Rechts auf das türkische Strafprozessrecht, *Annales de la Faculté de Droit d'Istanbul*, vol. 38, pp. 367-385 and (1981) Die türkische Strafprozessordnung, *Annales de la Faculté de Droit d'Istanbul*, vol. 44, pp. 178-196.

۲. ببینید:

Sözüer, A. (2007) Die Reform des türkischen Strafrechts, *Zeitschrift für die gesamte Strafrechtswissenschaft*, vol. 119, no 3, pp. 712-749.

۳. Alacakaptan, U. (1958) *İngiliz Ceza Hukukunda Suc ve Cezaların Kanuniligi Prensibi*, Ankara Üniversitesi Hukuk Fakültesi Yayınları, Ankara.

۴. Radzinowicz, L. (1991) 'Penal Regressions', *Cambridge Law Journal*, vol. 50, pp. 422-444, p. 439.

۵. Gölçüklü, F. (1962a) 'İngiltere ve Gal Eyaleti'nde Hürriyeti Bağlayıcı Cezalar ve Cezaevi Sistemleri', *Ankara Üniversitesi Hukuk Fakültesi Dergisi*, vol. 17, no 1, pp. 159-202. From

دلیل انتخاب کشور انگلستان برای پژوهش در خصوص جایگزین‌های حبس، شهرت بین‌المللی این سامانه و رویه‌های نوآورانه مختلف در این نظام حقوقی می‌باشد.<sup>۱</sup> ضمانت‌اجراهای جایگزین هم‌چون قرار آزادی مشروط و خدمات اجتماعی عام‌المنفعه، پیشینه‌ای نسبتاً قدیمی در انگلستان دارد. بر خلاف دیگر کشورها، در انگلستان، این کیفرها به صورت مستقل مورد حکم قرار می‌گیرند. از این‌رو، جای تعجب ندارد که رویه‌ها و قواعد حقوقی انگلستان، الگویی برای تمامی کشورهای اروپایی باشد.<sup>۲</sup> حتی در بستر جهانی، محافل دانشگاهی، با علم به این واقعیت که در انگلستان، طیف گسترده‌ای از راهبردهای جایگزین وجود دارد، به تکاپو افتاده‌اند. در این‌جا باید به این نکته اشاره کنیم که وضع قواعد آزادی مشروط در ترکیه متأثر از تجربه کشور انگلستان بوده است. همان‌طور که در ادامه خواهد آمد، بر اساس یکی از موافقت‌نامه‌های میان‌دولتی بین ترکیه و انگلستان، انگلستان متعهد شد تا پیشرفت‌ها و تجربیات خود را در خصوص قواعد آزادی مشروط در اختیار کشور ترکیه قرار دهد. این همکاری‌ها، دانش و تجربه کشور انگلستان را با ارزش‌تر کرده است. در نقطه مقابل و در برخی دیگر از کشورها هم‌چون آلمان، جایگزین‌ها در مجرای مخصوص به خود استقرار می‌یابند؛ بدین معنا که راهبردهای جایگزین حبس به عنوان دسته دوم کیفرها می‌توانند مستقلاً مورد حکم قرار گیرند. با وجود این، رویکرد متناقض‌نمای شکل گرفته این است که راهبرد گسترش و تقویت جایگزین‌ها با نتایج ناامیدکننده‌ای همراه شده است. از این‌رو، بررسی اجمالی نظام حقوقی انگلستان در خصوص ضمانت‌اجراهای جایگزین، ضرورت تحلیل جامع آن را در این پژوهش نشان می‌دهد.

همان‌طور که این درآمد گذرا نشان داد، مقایسه میان نظام حقوقی انگلستان و آلمان در بستر مطالعه پیش‌رو، تنها محدود به اثرگذاری آن‌ها بر نظام حقوق کیفری ترکیه نیست. آنچه در این پژوهش جالب‌تر است، راه‌های متمایز مدیریت بزهکاران در نظام‌های عدالت کیفری است. علاوه بر آن، کتاب پیش‌رو در خطر ساده‌سازی گزاف نیز می‌باشد؛ زیرا همان‌طور که مطرح شد، نظام حقوقی آلمان مبتنی بر سامانه دوگانه حبس و جزای نقدی است و در نقطه مقابل، نظام کیفری

the same author on the English Judicial Mechanism, see (1955) 'İngiliz Adli Teskilati', Ankara Üniversitesi Siyasal Bilgiler Fakültesi Dergisi, vol. 10, no 1, pp. 160-185.

1. Bottoms, A., E. (1987) 'Limiting Prison Use: Experiences in England and Wales', Howard Journal, vol. 26, no 3, pp. 177-202, p. 177.

2. Tak, P.J.P. (1986) Community Service Orders in Western Europe – A Comparative Survey – in Albrecht, H-J. and Schädler, W. (eds.) Community Service, Max-Planck-Institut für ausländisches und internationales Strafrecht, Freiburg.

انگلستان، گستره وسیعی از جایگزین‌های حبس را دربرمی‌گیرد. از این منظر، ذکر این نکته منصفانه است که معنا و مضمون واژه «تقابل» میان دو کشور مورد اشاره، نظام حقوقی ترکیه را دربرنمی‌گیرد (با وجود آن که، شباهت نظام حقوقی آلمان و ترکیه زیاد است). ورای این، فرضیه بدیهی این پژوهش نیز آن است که گسترش احکام جایگزین، الزاماً موجب کاهش توسل به حبس کیفری می‌شود.<sup>۱</sup>

### ۱.۱. قلمرو

در هنگام تعریف موضوع اصلی این پژوهش و ترسیم مرزهای آن، پرسش واژگان‌شناختی مهمی مطرح می‌شود. در نگاه اول، به نظر می‌رسد که اصطلاح «تدابیر و ضمانت‌اجراهای جامعه‌محور»<sup>۲</sup> که در اسناد شورای اروپا و مطالعات تطبیقی به کار می‌رود،<sup>۳</sup> به طور دقیق مورد کنکاش علمی قرار گرفته است. به عنوان مثال، در یکی از اسناد شورای اروپا، این اصطلاح، ضمانت‌اجراهای زیر را دربرمی‌گیرد:<sup>۴</sup>

- تعلیق اجرای حکم حبس با شرایط مشخص.
- آزادی مشروط به متابه یک ضمانت‌اجرای مستقل و فارغ از وجود حکم حبس.
- قراردادهای نظارت شدید.
- خدمات اجتماعی خدمات عمومی عام‌المنفعه.
- قراردادهای اصلاحی برای گروهی خاص از بزهکاران.
- میانجی‌گری میان بزه‌دیده و بزه‌کار و جبران خسارت بزه‌دیده.
- محدودیت آزادی آمد و شد با قراردادهایی چون حبس خانگی یا پایش الکترونیکی.

اصطلاح «جامعه» در این بستر بازگشت به محل اجرای ضمانت‌اجرا دارد؛ بدین معنا که برخی کیفیها باید خارج از محیط زندان انجام شوند. با وجود این، مضمون اصطلاح جامعه از این

1. Frankenberg, G. (1985) Critical Comparisons: Rethinking Comparative Law, Harvard International Law Journal, vol. 26, no 2, pp. 411-455

2. Vass, A. (1990) Alternatives to Prison: Punishment, Custody and the Community, Sage, London, p. xv.

3. Dünkel, F. and Pruin, I. (2009) 'Community Sanctions and the Sanctioning Practice in Juvenile Justice Systems in Europe' in Junger-Tas, J. and Dünkel, F. (eds.) Reforming Juvenile Justice, Springer, Dordrecht.

4. <http://www.justizia.net/Docuteca/Ficheros.asp?ntcodigo=1204&IdDoc=SP &Idio.ma=sp>

هم فراتر می‌رود. بر اساس رویکردهای فلسفی و نظری موجود در ادبیات انگلوساکسون<sup>۱</sup> اصطلاح «جامعه»، اشکال مختلف مشارکت داوطلبانه و همکاری اعضای جامعه جهت بازپروری اجتماعی بزهکاران را شامل می‌شود. این چشم‌انداز به وضوح در برخی دیگر از سندهای راهنمای تدابیر و ضمانت‌اجراهای جامعه‌محور آمده است.<sup>۲</sup> توجه به گزاره‌های زیر به خوبی معنای این مفهوم را مشخص می‌کند:

قاعده ۴۴: عدالت باید در بستر جامعه‌ای که برای خدمت به آن به وجود آمده است، اجرا شود. با این حال، این امر مستلزم پذیرش و احترام جامعه است. این درجه از اعتماد و تعهد، تنها زمانی ایجاد می‌شود که تمامی اعضای جامعه در راستای برقراری عدالت مشارکت و همکاری داشته باشند.

قاعده ۴۵: مشارکت اعضای جامعه محلی، طیف وسیعی از منابع انسانی و مادی را به دست می‌دهد و هم‌زمان، سامانه‌های حمایت اجتماعی را به وجود می‌آورد. در این بستر، بزهکاران می‌توانند با نهادهای داوطلب، اتحادیه‌های کارگری، کارکنان انجمن‌ها، باشگاه‌های تفریحی و اجتماعی، گروه‌های مذهبی، نهادهای خیریه و دیگر سازمان‌ها و افراد حمایت‌کننده، آشنا شده و با آن‌ها ارتباط برقرار نمایند. با وجود این، حفظ ارتباط بزهکاران با نهادها و سازمان‌های حمایت‌کننده، احتمال بازپروری اجتماعی آن‌ها را افزایش می‌دهد.

همان‌طور که بسیاری از پژوهش‌گران اشاره کرده‌اند، رویکرد کیفی‌های جامعه‌ی، اراده جمعی به مثابه یکی از منابع موجود، محله‌گرایی و عدم مداخلات عدالت‌کیفری در بسترهای سیاسی و فرهنگی انگلستان را به همراه دارد.<sup>۳</sup>

1. Braithwaite, J. (1989) *Crime, Shame and Reintegration*, Cambridge University Press, Cambridge.

2. <https://wcd.coe.int/Com.Instranet.InstraServlet?command=com.instranet.CmdBlobGet&InstranetImage=574882&SecMode=1&DocId=605174&Usage=2> (Access Date: December 2009).

3. Crawford, A. (1997) *The Local Governance of Crime: Appeals to Community and Partnerships*, Clarendon Press, Oxford, chapter 5, Brownlee, I. (1998) *Community Punishment: A Critical Introduction*, Harlow, Wesley Longman, pp. 56-59, Cavadino, M., Crow, I. and Dignan, J. (1999) *Criminal Justice 2000: Strategies for a New Century*, Waterside Press, Winchester, pp. 97-98, Worrall, A. and Hoy, C. (2005) *Punishment in the Community: Managing Offenders and Making Choices*, Sage, London, pp. 57-70.

برخلاف کشور انگلستان<sup>۱</sup> که در آن رویکردهای جامعه‌محور و مقابله با سامانه دولتی<sup>۲</sup> ریشه دوانده است، ترکیه و آلمان<sup>۳</sup>، کشورهایی هستند که قدرت دولت مرکزی بسیار زیاد و بر این اساس، نقش جامعه در اجرای مجازات‌های جایگزین<sup>۴</sup> بسیار محدود است. لازم به ذکر است که ترجمه اصطلاح جامعه به عنوان بخشی از ضمانت‌اجرای کیفری به زبان آلمانی<sup>۵</sup> و ترکی به سادگی انجام نمی‌شود. از این‌رو، باید این نتیجه منطقی و منصفانه را بگیریم که اصطلاح «تدابیر و ضمانت‌اجراهای جامعه‌محور» در سه کشور مورد مطالعه این پژوهش، به یک معنا نیستند.

ذکر این نکته نیز جالب است که در طول زمان، اصطلاح «ضمانت‌اجراهای جامعه‌وی» معنای حقیقی خود را حتی در خاستگاه اصلی خویش از دست داده است. همان‌طور که مطرح شد، تغییرات اخیر در نظام حقوقی انگلستان، تمایز میان ضمانت‌اجراهای جامعه‌وی و غیر آن را از بین برده است.<sup>۶</sup> با وجود این، می‌توان چنین گفت که برخی از تعاریف معتبر از «مجازات‌های جامعه‌وی» صحیح نمی‌باشد. به عنوان مثال در سال ۲۰۰۱، باتمز و همکاران، این مجازات‌ها را چنین تعریف کردند:

مجازات‌های جامعه‌وی، کیفرهای مورد حکم دادگاه‌ها هستند که به لحاظ ساختاری، در حد فاصل میان حبس، از یک‌سو، و ضمانت‌اجراهای مالی هم‌چون جزای نقدی و جزای نقدی روزانه، از سوی دیگر، قرار می‌گیرند. فارق میان مجازات‌های جامعه‌محور از جریمه و جزای نقدی این

1. Raynor, P. (2001) Community Penalties and Social Integration: 'Community' as Solution and as Problem in Bottom et al. (eds.), pp. 183-199, Crawford, A. (2000) Contrasts in Victim Offender Mediation and Appeals to Community in France and England, in Nelken, D. (ed.) *Contrasting Criminal Justice*, Ashgate, Aldershot, pp. 205-229, p. 220.

2. Crawford (2000), op. cit., p. 220.

3. Jung, H. (1999) Die "European Rules on Community Sanctions and Measures" in Feuerhelm, W., Schwind, H.-D. und Bock, M. (eds.) *Festschrift für Alexander Böhm zum 70. Geburtstag am 14. Juni 1999*, de Gruyter, Berlin, pp. 69-79, Albrecht, H.-J. (2002) 'Community Sanctions in the Federal Republic of Germany', in Albrecht and Kalmthout op. cit., pp. 243-270, p. 244, see also Lacey, N. and Zedner, L. (1995) *Discourses of Community on Criminal Justice*, *Journal of Law and Society*, vol. 22, pp. 301-325.

4. Crawford (2000), op. cit., p. 205.

5. Jung, op. cit., p. 72 'gemeinwesenorientiert'.

6. Bottoms et al. (2004) op. cit., p. 13. In this context, see also, Roberts, J., V. (2004) *The Virtual Prison: Community Custody and the Evolution of Imprisonment*, Cambridge University Press, Cambridge.



است که کیفی‌های جامعه‌ی به لحاظ شخصی، محدود اند و در عین حال، بزهکار با نهادهای کیفری تماس فعال دارد. با وجود این، برخلاف حبس، این تعامل در بستر جامعه شکل می‌گیرد.<sup>۱</sup> ممکن است، فردی عنصر «جامعه، جامعه‌ی» را از اصطلاح «کیفرهای جامعه‌مدار» حذف کند و آن‌ها را به سادگی به «مجازات‌های بینابین»<sup>۲</sup> تعبیر کند. در این صورت، مشکلی به وجود می‌آید و آن این‌که عبارت کیفرهای بینابین شامل مجازات‌های مالی نیز می‌شود. بدیهی است که در صورت ارزیابی شاخص‌های حاکم بر جایگزین‌های حبس و نرخ آن‌ها باید به کیفرهای مالی، توجه لازم را داشته باشیم؛<sup>۳</sup> زیرا این مجازات‌ها نقش مهمی در کاهش نرخ حبس دارند. به عنوان مثال و بر اساس یافته‌ها، در کشورهایی که از نظام جزای نقدی روزانه استفاده می‌کنند - که از آن جمله می‌توان به اتریش، سوئیس، کشورهای اسکاندیناوی و فرانسه اشاره کرد -، این مجازات تا حد بسیار زیادی جای حبس‌های کوتاه‌مدت را گرفته است.<sup>۴</sup> بر این اساس، نادیده گرفتن جزای نقدی در این پژوهش، غفلت کردن از عنصری ضروری است که در تحلیل رابطه میان حبس و جایگزین‌های آن باید بدان توجه شود.

در مواجهه با مشکلات مفهومی، استفاده از مجازات‌های جامعه‌ی برای تمامی کیفرهای غیرسالب آزادی گمراه‌کننده است. از این‌رو، در پژوهش پیش‌رو، اصطلاحات «جایگزین‌های حبس»، «جایگزین‌های زندان» یا «کیفرهای غیرسالب آزادی» استفاده می‌شوند. گرچه، اصطلاح «جایگزین‌های حبس»، واژه سرراست و راحتی است که در هر سه کشور کاربرد دارد، اما این راهبرد، رویه‌های متنوع و مختلفی را دربرمی‌گیرد که از برنامه‌های پیش از رسیدگی دادگاه‌ها تا ترتیبات آزدسازی زود هنگام را شامل می‌شود.<sup>۵</sup> جهت حفظ انسجام پژوهش حاضر،

1. Bottoms, A., E., Gelsthorpe, L. and Rex, S. (eds.) (2001) Community Penalties: Change and Challenges, Willan Publishing, Cullompton, p. 1, see also Nellis, M. (2001) Community Penalties in Historical Perspective in Bottoms et al. (2001), pp. 16-40.

2. Tonry, M. and Lynch, M. (1996) Intermediate Sanctions, Crime and Justice, vol. 20, pp. 99-144.

3. Harding, J. (2003) 'Which Way Probation? A Correctional or Community Justice Service?', Probation Journal, vol. 54, no. 4, pp. 369-373, Bottoms et al. (2004), p. 9, Hughes, G. (2001) 'The Competing Logics of Community Sanctions: Welfare, Rehabilitation and Restorative Justice', McLaughlin, E. and Muncie, J. (eds.) Controlling Crime, Sage, London, pp. 249-297, p. 291.

4. Albrecht, A. and Kalmthout, A., M. (2002) 'Intermediate Penalties: European Developments in Conceptions and Use of Non-Custodial Criminal Sanctions' in Albrecht and Kalmthout op. cit., pp. 1-11, p. 4.

5. Vass, op. cit., p. xv.

این کتاب، جایگزین‌های حبس صادر شده توسط دادگاه‌ها را ملاک قرار می‌دهد. با وجود این، سازوکارهای قضازدایانه پیش‌دادرسی نیز در جای خود بحث می‌شوند. بر اساس ادله مستند، حداقل در انگلستان<sup>۱</sup> و آلمان<sup>۲</sup> تدابیر قضازدایانه موجب کاهش جمعیت کیفری شده‌اند. علاوه بر آن، معرفی تدابیر قضازدایانه اخیر در ترکیه، بخش ضروری و لاینفک این مطالعه تطبیقی است. یکی دیگر از رسالت‌های این پژوهش، مطالعه تطبیقی جایگزین‌های حبس میان نظام‌های حقوقی مختلف است. از آن‌جا که نظام‌های حقوقی آلمان و ترکیه بر اصل مجرمیت و سرزنش‌پذیری تأکید می‌کنند، به سامانه دوگانه مجازات‌ها متوسل می‌شوند. این سامانه بر حسب درجه خطرناکی بزهکار و سابقه کیفری وی، تدابیر کیفرمدار (نظام دوگانه مجازات و جزای نقدی در پرتو تقصیر فردی مجرم)، بازپرورانه، پیشگیرنده و توان‌گیرانه را دربرمی‌گیرد.<sup>۳</sup> با وجود سامانه دوگانه کیفر در این دو نظام حقوقی، در حقوق کیفری انگلستان، سامانه واحد کیفر وجود دارد.

1. Gelsthorpe, L. and Morris, A. (1994) *Juvenile Justice 1945-1992* in Maguire, M., Morgan, R. and Reiner, R. (eds.) *the Oxford Handbook of Criminology*, Clarendon Press, Oxford, Young, J. and Matthews, R. (2003) *The New Politics of Crime and Punishment*, Cullompton, Willan, p. 82, Mair, G. (2004) *Diversions and Non-Supervisory Approaches to Dealing with Offenders* in Bottoms et al. (2004) pp. 135-161, see also Allen, R. (1991) *Out of Jail: The Reduction in the Use of Penal Custody for Male Juveniles 1981-1988*, *Howard Journal*, vol. 30, no 1, pp. 30-52, pp. 33-36.

With regard to Germany, see Graham, J. (1987) *The Declining Prison Population in the Federal Republic of Germany*, *Home Office Research Bulletin*, no 24, London pp. 47-52 and (1990) *Decarceration in the Federal Republic of Germany: How Practitioners are Succeeding Where Policy Makers Have Failed?*, *British Journal of Criminology*, vol. 30, no 2, pp. 47-52. Mayerhofer-Ludwig, W. (1995) *Sentence without Conviction Notes on Diversion from the Juvenile Court in the Federal Republic of Germany*, pp. 108-109 in Albrecht, G. and Ludwig-Mayerhofer, W. (eds.) *Diversion and Informal Social Control*, de Gruyter, Berlin, Muncie, J. and Sparks, R. (1991) *Expansion and Contraction in European Penal Systems* in Muncie and Sparks (eds) *Imprisonment European Perspectives*, Prentice Hall, New York, pp. 89-108, p. 101.

2-Jeschek, H.-H. (1979) *Die Krise der Kriminalpolitik*, *Zeitschrift für die gesamte Strafrechtswissenschaft*, vol. 91, pp. 1060-1061, Feltes, T. (1982) *Alternativen zur Jugendstrafe* in Sievering, U., O. (ed.) *Alternativen zur Freiheitsstrafe*, Haag Herchen, Frankfurt, pp. 79-87, p. 83.

3. Jescheck, H.-H. and Weigend, T. (1996) *Lehrbuch des Strafrechts*, 5th edition, Duncker & Humblot, Berlin, p. 83, Streng, F. (2002) *Strafrechtliche Sanktionen*, 2nd edition, Kohlhammer, Stuttgart, p. 150, Schöch, H. (2008) *On Section 61*, in *Leipziger Kommentar* pp. 215-229 in Laufhütte, H. W., Rissing-van Saan, R. and Tidemann, K. (eds.) 12th edition, vol.3, pp. 215-402, pp. 215-229, Eser, A. (2001) *Zur Entwicklung von Maßregeln der Besserung und Sicherung als zweite Spur im Strafrecht* in Britz, G. (ed.) *Grundfragen des staatlichen Strafens*, Beck, München, pp. 213-236.

همان‌طور که مشخص است، مفهوم «تدابیر کیفری» دارای یک تناقض نظری است. گرچه، پیچیدگی‌های این موضوع از محل بحث ما خارج است، اما اشاره‌ای مختصر به ماهیت حقوقی «تدابیر» لازم است. زمانی که فرد مجرم به دلیل عدم وجود تقصیر قابل مجازات نیست - به عنوان مثال، فرد مجرم مجنون است یا تقصیر او نقصان یافته است که از آن جمله می‌توان به ارتکاب جرم در زمان مستی اشاره کرد - باید جامعه را از ارتکاب مجدد چنین رفتارهایی محافظت کرد. در این حالت، نظام‌های حقوقی آلمان و ترکیه با اتخاذ «تدابیری» هم‌چون نگهداری بزهکار در بیمارستان روانی یا مراکز بازپروری، از جامعه مراقبت می‌کنند. برخی تدابیر دیگر نیز شامل ممنوعیت از اشتغال به حرفه مشخص و ضبط موقت گواهینامه رانندگی (در فرض ایجاد خطر برای سلامت شخصی یا امنیت جامعه) می‌شود. لازم به ذکر است که این تدابیر می‌توانند در کنار مجازات‌های قانونی، مورد حکم قرار گیرند. در حالی که در نظام‌های حقوقی آلمان و ترکیه، تدابیر سالب آزادی، بخش معمول کیفرهای موجود در قانون کیفری را تشکیل می‌دهند، در نظام کیفری انگلستان، ضمانت‌اجراهای مستقلی تحت عنوان «جایگزین‌های حبس» وجود دارد.

با توجه به تفاوت‌های موجود می‌توان گفت که تفسیر داده‌های آماری با مشکلات جدی مواجه می‌شود. به عبارت دیگر، به علت وجود سامانه دوگانه مجازات‌ها در آلمان و ترکیه، مطالعه تطبیقی دقیق میان سه نظام حقوقی دشوار است؛ زیرا «تدابیر» الزاماً ضمانت‌اجراهای غیرسالب آزادی نیستند. به عبارت بهتر، تدابیر ممکن است اقدامات سالب آزادی را نیز دربرگیرد. این تنها یکی از مشکلات تطبیق داده‌های آماری میان سه کشور مورد مطالعه است. در سطح کلان، با توجه به تفاوت‌های اساسی در جمع‌آوری و طبقه‌بندی داده‌های آماری سه کشور، ارزیابی تطبیقی این پژوهش با مشکلات جدی همراه می‌شود. بنابراین، در این پژوهش، یک مقایسه کلی میان سه کشور مورد مطالعه صورت نمی‌گیرد. در عوض، داده‌های آماری سه نظام مورد مطالعه به صورت جداگانه بررسی و تحلیل می‌شوند.

در سطح نظری، مقایسه سه نظام حقوقی مورد مطالعه - که سنت‌ها و فرهنگ‌های حقوقی آن‌ها برگرفته از شاخص‌های فرهنگی و ساختاری متفاوت است -، یکی از مشکلات روش‌شناسانه پژوهش حاضر می‌باشد.<sup>۱</sup> با وجود این، باید به این نکته اشاره کرد که تحقیق حاضر

1. Nelken, D. (2000) Just Comparing in Nelken (ed.), op. cit., pp. 3-22 and (2007) Comparing Criminal Justice in Maguire, M., Morgan, R. and Reiner, R. (eds.) The Oxford Handbook of Criminology, 4th edition, Oxford University Press, Oxford.

به تحلیل جامع تفاوت‌های ایدئولوژیک و فرهنگی میان سه کشور مورد مطالعه نمی‌پردازد. به عبارت بهتر، تمرکز اصلی این کتاب، بر مسائل قضایی و قانونی است. در این بستر، فصل دوم، مروری گذرا بر خاستگاه تاریخی جایگزین‌های حبس خواهد داشت. این فصل اهداف متنوعی دارد. اول آن که، این بخش، رهیافت‌ها، پیشرفت‌ها و اهداف بسترهای تاریخی جایگزین‌ها را در کشورهای مورد مطالعه بررسی می‌کند.<sup>۱</sup> دوم آن که، در این فصل، اطلاعات تاریخی لازم برای درک ایده‌ها و نهادهای موجود در این حوزه و دلایل عقب‌ماندگی کشور ترکیه در قیاس با هم‌تایان اروپایی خود در اتخاذ راهبردهای جایگزین معرفی می‌شوند. علاوه بر این، گرچه در این فصل، اهداف کیفرشناسانه مجازات به طور دقیق و تفصیلی مطرح نمی‌شوند، اما نگاهی گذرا به این مسائل خواهیم داشت. بر این اساس، به‌جای صحبت کردن در خصوص مسائل انتزاعی و فلسفی کیفرشناسی، این فصل، نظریه‌های فلسفی توجیه مجازات را با تکیه بر کیفرهای جایگزین حبس تحلیل می‌کند.

فصل سوم، چهارم و پنجم، جایگزین‌های حبس را در کشورهای انگلستان، آلمان و ترکیه بررسی می‌کند. در هر یک از این فصل‌ها، ارزیابی جامعی از پیشرفت‌های تاریخی و بنیادی جایگزین‌ها در سه کشور مورد مطالعه صورت می‌گیرد.

## ۲.۱. مطلبی گذرا در خصوص اصطلاحات و زبان

در این کتاب، نویسنده جهت تبیین بهتر موضوع، از اصطلاحات هر سه نظام حقوقی استفاده کرده است. به عنوان مثال، طبقه‌بندی جرایم، نام‌گذاری ضمانت‌اجراهای مختلف و ترجمه مفاهیم به زبان ترکی و آلمانی، از مشکلات زبان‌شناختی پژوهش حاضر است. به استثنای مواردی که ترجمه مفاهیم به زبان ترکی به سادگی امکان‌پذیر نیست، نگارنده کوشیده است تا از اصطلاحات انگلیسی استفاده کند. جهت تأکید بر برابری جنسیتی، در این پژوهش سعی شده است تا در موارد سوم شخص مفرد، از ضمائر مذکر و مؤنث استفاده شود.

---

1. Truly, "foreign laws can (indeed) be understood correctly only with their history and with relevant criminological data". Weigend, T. (2006) 'Criminal Law and Criminal Procedure', Elgar Encyclopedia of Comparative Law, Smits, J. (ed.), Edward Elgar Publishing, Cheltenham, pp. 214-227, p. 218.

## فصل دوم:

### بازتاب‌هایی از تاریخ و پیشرفت جایگزین‌های حبس

۱.۲. درآمد

ارزیابی پیشرفت‌های تاریخی مجازات‌های جایگزین، محدود به شاخص‌انگاری کیفر حبس می‌شود. علاوه بر این، در این بستر به تحول تدریجی انواع کیفرها که از اواسط قرن نوزدهم آغاز شده، توجه کم‌تری گردیده است. به عبارت دیگر، به جای تمرکز بر ادبیات تاریخ مجازات‌های فردی، به قرار آزادی مشروط توجه بیش‌تری می‌شود.<sup>۱</sup> با وجود این، به نظر می‌رسد که تحلیل تاریخی جامع از دریچه چشم‌اندازهای تطبیقی، کار دشواری باشد.

به نظر می‌رسد که تحلیل تاریخی بحث از دو جهت مهم باشد:

- همان‌طور که در ادامه خواهد آمد، مفهوم‌سازی جایگزین‌های زندان، گستره وسیعی دارد و تا حد بسیار زیاد در شکل قدیمی و سنتی خود، مفهوم می‌یابد. از این‌رو، ارزیابی تاریخی جایگزین‌ها و اصلاح قوانین موجود در این حوزه، موجب درک جامع‌تر این نهاد در ضمانت‌اجراهای کیفری امروزی می‌شود.

---

1. Timasheff, N., S. (1941) One Hundred Years of Probation, 1841-1941, Part I: Probation in the United States, England and the British Commonwealth Countries, and (1943) Part II: Probation in Continental Europe, Latin America, Asia, and Africa, Fordham University Press, New York; United Nations/Department of Economic and Social Affairs (1951) Probation and Related Measures, United Nations Publications, New York; Harris, R. (1995) Probation round the World: Origins and Development in Hamai, K., Ville, R., Harris, R., pp. 25-67; Hough, M. and Zvekic, U. (eds.) Probation Round the World: A Comparative Study, Routledge, London.

- شناسایی تحولات عملی و فلسفی جایگزین‌ها به احتمال فراوان، رهیافت‌های آتی در این قلمرو را نشان خواهد داد.

از این رو، هدف فصل حاضر، برداشتن گام‌های ابتدایی جهت درک مفهوم و بنیان‌های نظری مجازات‌های غیرسالب آزادی است؛ مسئله‌ای که در مطالعات تطبیقی کیفرشناسی، بدان توجه چندانی نشده است. بر این اساس، دو بازه زمانی در این وادی مورد توجه قرار می‌گیرد. در وهله اول که به ظهور این مجازات‌ها پرداخته می‌شود، تمرکز بر تعلیق اجرای حبس و آزادی مشروط به مثابه نسل اول جایگزین‌ها می‌باشد. بازه زمانی دوم نیز که از دهه ۱۹۷۰ میلادی آغاز می‌شود، به رشد سریع مجازات‌های جایگزین حبس توجه دارد.

## ۲.۲. اصلاح زندان‌ها و زندانیان: آماده‌سازی شرایط برای مفهوم جایگزین‌های حبس

اصطلاح «جایگزین‌های زندان» یا «مجازات‌های غیرسالب آزادی» که به جای یکدیگر نیز استفاده می‌شوند، به معنای استفاده از هر نوع ضمانت‌اجرائی است که در خارج از محیط زندان اعمال شود. با وجود این، به لحاظ تاریخی، وجود ضمانت‌اجرائی چون کار عمومی و جزای نقدی در زمانی که زندان برای بدهکاران و متهمان در صف انتظار برای رسیدگی کاربرد داشت،<sup>۱</sup> پیشینه طولانی جایگزین‌ها را نشان می‌دهد.<sup>۲</sup> با وجود این، در این بستر ما به دنبال ریشه‌های مجزای ضمانت‌اجراها نیستیم. به عبارت بهتر، هدف اصلی ما در این بخش، تحلیل ظهور جایگزین‌های حبس در نقطه مقابل تولد زندان به مثابه یک نهاد کیفری است. همان‌طور که در ادامه خواهد آمد، جهت تکامل جایگزین‌های حبس، اول از همه باید مجازات حبس را به عنوان یک شکل غالب از مجازات‌های موجود به رسمیت شناسیم.

1. Peters, E., M. (1995) Prison before the Prison: The Ancient and Medieval Worlds in Morris, N. and Rothman, D. J. (eds.) The Oxford History of Prison, Oxford University Press, Oxford, pp. 3-47.

2. von Hentig, H. (1955) Die Strafe, vol. 2, Die modernen Erscheinungsformen, Berlin, Springer, Grebing, G. (1978) Die Geldstrafe in rechtsvergleichender Darstellung, in Jescheck, H.-H. and Grebing, G. (eds.) Die Geldstrafe im deutschen und ausländischen Recht, Nomos, Baden Baden, pp. 1185-1357, Albrecht, H.-J. and Schädler, W. (1986) (eds.) Community Service: a New Option in Punishing Offenders in Europe, Max-Planck-Institut für ausländisches und internationales Strafrecht, Freiburg.